

نقش واسطه‌ای مقابله‌ی زوجی در رابطه‌ی بین استانداردهای زناشویی و رضایت زناشویی

رضا خجسته‌مهر^۱، فاطمه نادری^۲، منصور سودانی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۴

چکیده

این مطالعه با هدف ارزیابی اثرات مستقیم و غیر مستقیم استانداردهای زناشویی از طریق مقابله‌ی زوجی بر رضایت زناشویی زوج‌ها انجام شد. نمونه‌ی مورد مطالعه شامل ۱۵۰ زوج ساکن شهر اهواز بود که به روش تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌ی استانداردهای رابطه‌ی خاص، پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه‌ی مقابله‌ی زوجی را تکمیل کردند. برای تحلیل داده‌ها از روش الگویابی معادلات ساختاری و برای بررسی اثرات غیر مستقیم از آزمون بوت استراپ استفاده گردید. مدل ارزیابی‌شده از شاخص‌های برازندگی خوبی برخوردار بود. نتایج تحلیل نشان داد که استانداردهای زناشویی فقط برای شوهران به‌طور مستقیم بر رضایت زناشویی آنها تاثیر دارد. علاوه بر آن، نتایج پژوهش نشان داد که استانداردهای زناشویی شوهران و زنان، به‌صورت واسطه‌ای و از طریق مقابله‌ی زوجی خود و همسرشان بر رضایت زناشویی آنها اثر دارد. **واژه‌های کلیدی:** ازدواج، شناخت، استرس، مقابله.

۱. دانشگاه شهید چمران اهواز.

۲. مشاوره خانواده- دانشگاه شهید چمران اهواز.

۳. دانشگاه شهید چمران اهواز.

* نویسنده‌ی مسئول مقاله،

مقدمه

ازدواج‌ها چگونه گسترش یافته و چه عواملی بر موفقیت و یا شکست ازدواج تاثیر می‌گذارند؟ اینها سؤالاتی است که طی دهه‌های گذشته تاکنون توجه و علاقه‌ی محققان روان‌شناسی را به خود جلب کرده است، از این‌رو پژوهش‌گران اطلاعات جامع و استواری را درباره‌ی رابطه‌ی فرایندهای ارتباطی و سبک‌های حل تعارض^۱، ویژگی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی و مهارت‌های مقابله‌ی زوجی^۲ جمع‌آوری نموده‌اند (واندرر و شنویند^۳، ۲۰۰۸). همچنین، برای پژوهشگران مهم است که همچون گذشته مفاهیم اصلی‌ای را که با رضایت زناشویی^۴ رابطه دارند را مورد بررسی قرار دهند. سینها و موکرچی^۵ (۱۹۹۰)، رضایت زناشویی را حالتی می‌دانند که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند و روابط رضایت‌بخش در بین زوج‌ها، از طریق علاقه‌ی متقابل، میزان مراقبت از همدیگر، پذیرش و تفاهم با یکدیگر قابل ارزیابی است. به عبارت دیگر، رضایت زناشویی، احساس رضایت هریک از زوج‌ها از هماهنگی و مطابقت با همسر خود در زمینه‌ی چگونگی سازمان دادن زندگی مشترک مانند هماهنگی در نحوه‌ی گذراندن اوقات فراغت، تقسیم کارهای خانه، روابط جنسی و ابراز عواطف و احساسات به یکدیگر، تعامل و ارتباط با یکدیگر تعریف شده است (برازلتن و یوگمن^۶، ۱۹۸۶). نظریه‌های اخیر روان‌شناسی و روان‌درمانگری، «شناخت»^۷ را عاملی مهم و تاثیرگذار در رفتارها، احساسات و عواطف می‌دانند. از این دیدگاه سلامت روانی، قدرت سازگاری، احساس رضایت و یا نارضایتی از زندگی تا حد زیادی متاثر از چگونگی تفکر و ادراک فرد از خود، دیگران و رویدادهای زندگی است (الیس^۸، ۱۹۸۹). پژوهشگران در زمینه‌ی مسائل خانوادگی به بررسی تاثیر نقش عوامل شناختی‌ای پرداخته‌اند که در ایجاد ثبات یا بی‌ثباتی زوج‌ها موثر است.

-
1. conflict resolution styles
 2. dyadic coping skills
 3. Wunderer, & Schneind
 4. marital satisfaction
 5. Sinha, & Mukerjoe
 6. Brazelton, & Yogman
 7. cognition
 8. Ellis

از جمله موارد شناختی‌ای که اخیراً در روان‌شناسی توجه زیادی را به خود جلب کرده است، استانداردها^۱ می‌باشد. استانداردها یکی از پنج نوع مختلف شناخت‌ها می‌باشند. شناخت‌ها نقشی مرکزی را در روابط زوج‌ها بازی می‌کنند. سایر انواع شناخت‌ها که توسط باکام و اپستاین^۲ (۱۹۹۰)، متمایز شده‌اند، عبارتند از توجه یا ادراک انتخابی^۳، اسنادها^۴، انتظارات^۵ و فرضیات^۶. استانداردها به استانداردها به ادراک فرد از آن ویژگی‌هایی که باید وجود داشته باشند، برمی‌گردند(باکام و اپستاین، ۱۹۹۰؛ به نقل از حسن‌پور، ۱۳۸۹).

استانداردهای زناشویی شامل ۴ بعد می‌باشند که به اعتقاد باکام، اپستاین و دایتو^۷، حوزه‌های اصلی در تعامل زوج‌ها هستند و عبارت از مرزها^۸، قدرت/کنترل^۹، سرمایه‌گذاری ابزاری^{۱۰} و سرمایه‌گذاری عاطفی^{۱۱} در روابط می‌باشند(هالفورد^{۱۲}، ۲۰۰۱؛ ترجمه‌ی تبریزی و همکاران، ۱۳۸۴). زوج‌های با استانداردهای بالا از مرزهای درون ارتباطی کمتر، تساوی در تصمیم‌گیری بیشتر و سرمایه‌گذاری بیشتر در ازدواج برخوردارند(باکام و همکاران، ۱۹۹۶b). حال اگر استانداردها در یک جهت نبوده باشند یا اگر زوج‌ها استانداردهای افراطی و یا غیر قابل انعطافی داشته باشند، مشکلات می‌توانند ظهور کنند(باکام و همکاران، ۱۹۹۶a). زوج‌ها معمولاً با استانداردها یا باورهای پیش‌پنداشته در مورد چگونگی ارتباطشان، وارد روابط عاشقانه می‌شوند(وانگلیستی و دالی^{۱۳}، ۱۹۹۷، الکساندر^{۱۴}، ۲۰۰۸)، عدم آشنایی با باورهای پیش‌پنداشته‌ی شریک زندگی و شکست در انطباق با ملاک‌های رفتاری و سیستم‌های ارزشی طرف مقابل، ممکن است باعث شود، این عقیده که دیگری متفاوت است، با این عنوان تعبیر شود که او آدم ناپسندی است و این تعبیر موجب سوءتفاهم و مشکل و نیز بر هم خوردن تعادل رابطه‌ی زوج‌ها شود. یکی از نتایج این عدم تعادل در رابطه، ایجاد استرس است. استرس می‌تواند زمان با هم بودن، فرصت برای کسب تجارب مشترک،

-
1. standards
 2. Baucom, & Epstein
 3. selective attention or perceptions
 4. attributions
 5. expectations
 6. assumptions
 7. Daiuto
 8. boundaries
 9. power-control
 10. instrumental investment
 11. emotional investment
 12. Halford
 13. Vangelisti, & Daly
 14. Alexander

خودافشایی هیجانی متقابل، مهربانی و روابط جنسی رضایت‌مندانه و احساس «ما بودن»^۱ زوج‌ها را کاهش دهد. علاوه بر این استرس می‌تواند از طریق کاهش در کیفیت ارتباط زناشویی بر روابط زوج‌ها تاثیر بگذارد (بودنمن^۲، ۲۰۰۵). عوامل روان‌شناختی زیادی بر کیفیت ارتباط میان همسران تاثیر می‌گذارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مقابله‌ی زوجی^۳ از عوامل تعیین‌کننده و تاثیرگذار بر کیفیت روابط به‌شمار می‌آید (واندرر و شنویند، ۲۰۰۸). بودنمن (۱۹۹۷)، مقابله‌ی زوجی را شکلی از مقابله‌ی میان فردی در طی زمانی می‌داند که یک همسر به طور کلامی یا غیر کلامی به نشانه‌های استرس همسرش پاسخ می‌دهد. بودنمن (۲۰۰۰)، معتقد است که زوج‌هایی که مهارت‌های مقابله‌ی زوجی پایینی دارند، تعاملات زناشویی مناسب و کافی با یکدیگر ندارند و این مساله بر روی رضایت زناشویی آنها اثر منفی می‌گذارد. چندین شکل از مقابله‌ی زوجی وجود دارد که به اشکال مثبت و منفی تقسیم می‌شود. اشکال مثبت مقابله‌ی زوجی شامل مقابله‌ی زوجی حمایتی^۴، مقابله‌ی زوجی مشترک^۵ و مقابله‌ی زوجی محول‌شده^۶ می‌باشند. مقابله‌ی زوجی حمایتی و مشترک می‌توانند به‌صورت مساله‌مدار^۷ و یا هیجان‌مدار^۸ باشند. اشکال منفی مقابله‌ی زوجی شامل خصمانه^۹، دوسوگرا^{۱۰} و سطحی^{۱۱} است (بودنمن، ۲۰۰۵). اینکه چه نوع از مقابله‌ی زوجی به‌کار برده شود، به قابلیت‌های فردی و زوجی همسران، عوامل انگیزشی و ویژگی‌های موقعیتی‌ای که استرس در آن اتفاق می‌افتد، بستگی دارد (واندرر و شنویند، ۲۰۰۸). همچنین مقابله‌ی زوجی با سطح کیفیت ارتباط همسران (بودنمن، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰)، ثبات رابطه و رفتار ارتباطی آنها (بودنمن و سینا^{۱۲}، ۲۰۰۰) ارتباط دارد.

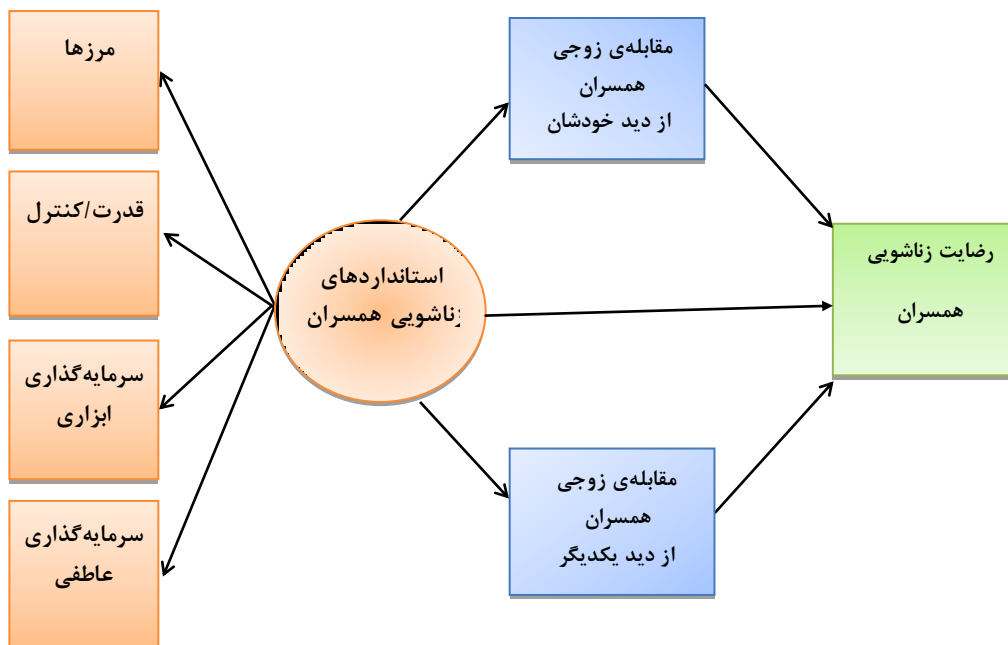
پژوهش‌ها نشان داده است که بین زوج‌های چینی و آمریکایی، اغلب در استانداردهای زناشویی و درماندگی زناشویی تفاوت فرهنگی وجود دارد (اپستاین، چن، بیدر - کمجو^{۱۳}، ۲۰۰۵). آنها به این نتیجه رسیدند که زوج‌های چینی از استاندارد قدرت/کنترل، حمایت بیشتری می‌کنند؛ درحالی‌که

-
1. We-ness
 2. Bodenmann
 3. dyadic coping
 4. supportive dyadic coping
 5. common dyadic coping
 6. delegated dyadic coping
 7. problem-focused
 8. emotion- focused
 9. hostile
 10. ambivalent
 11. superficial
 12. Cina
 13. Chen, & Beyder - Kamjou

زوج‌های آمریکایی این حمایت را در حوزه‌ی مرزها نشان دادند. بودنمن (۱۹۹۵)، در پژوهش خود نشان داد که مقابله‌ی زوجی حمایتی هیجان‌محور، مقابله‌ی زوجی مشترک و مقابله‌ی زوجی محول‌شده از پیش‌بین‌های اصلی رضایت زناشویی هستند. همچنین وی دریافت که پس از گذشت یک سال، همچنان همبستگی قابل توجهی میان متغیرهای مقابله‌ی زوجی و رضایت زناشویی وجود دارد. بودنمن، میر، مورگلی و جنوین^۱ (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ی خود نشان دادند که کیفیت زندگی پایین‌تر و استرس‌های بالاتر میان زوج‌ها با مقابله‌ی زوجی مثبت ضعیف‌تر و مقابله‌ی زوجی منفی قوی‌تری میان همسرانی که یکی از آنها دارای بیماری انسدادی مزمن ریه^۲ می‌باشد، همراه است. همچنین میر و همکاران (۲۰۱۲)، در مقایسه‌ی زوج‌های دارای بیماری انسدادی مزمن ریه با زوج‌های عادی نشان دادند که زوج‌های دارای بیماری انسدادی مزمن ریه از مقابله‌ی زوجی منفی‌تر و نامتعادل‌تری در رابطه‌ی خود استفاده می‌کنند. در بررسی رابطه‌ی میان سبک دلبستگی^۳ و رضایت ارتباطی، لیوی^۴ (۲۰۰۳) نشان داد که در مردان دلبستگی ناایمن به‌ویژه دلبستگی خصمانه، خصمانه، مقابله‌ی زوجی منفی را به‌دنبال خواهد داشت، درحالی‌که زنان با سبک دلبستگی دوسوگرا به احتمال بیشتری دست به مقابله‌ی زوجی منفی می‌زنند. اما در این مطالعه، نقش مقابله‌ی زوجی به‌عنوان میانجی ارتباط میان سبک دلبستگی و رضایت زناشویی برای مردان و زنان مورد تایید قرار نگرفت. لندیس، پیتر- وایت، مارتین و بودنمن^۵ (۲۰۱۳)، در پژوهش خود نشان دادند که در زوج‌های مسن‌تر با میانگین سنی شصت و هشت سال رویکردهای مقابله‌ی زوجی آنها به‌طور معنی‌داری با رضایت زناشویی آنان ارتباط دارد. مورفسیس^۶ (۲۰۰۹)، نیز در مقایسه‌ی مقابله‌ی زوجی و رضایت زناشویی در دو گروه بزرگسالان با اختلال نقص‌توجه/ بیش‌فعالی^۷ و بزرگسالان عادی نشان داده است که بزرگسالان با اختلال نقص‌توجه/ بیش‌فعالی در مقایسه با بزرگسالان عادی رضایت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این یافته‌ها نشان داد که اختلال نقص‌توجه/ بیش‌فعالی بر فرایندهای مقابله‌ی زوجی تاثیر مستقیم داشته و منجر به کاهش رضایت زناشویی می‌شود. از آنجا که پژوهش‌های بسیاری مقابله‌ی زوجی را مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌ی بهزیستی^۸ ارتباطی و به دنبال آن رضایت زناشویی دانسته‌اند (لازوسکی و

-
1. Meier, Mörgeli, & Jenewein
 2. Chronic obstructive pulmonary disease
 3. Attachment style
 4. Levey
 5. Landis, Peter- wight, Martin
 6. Mofesis
 7. attention-deficit/hyperactivity disorder
 8. Well being

آندرسون^۱، ۱۹۹۰؛ واندرر و شنویند، ۲۰۰۸؛ بودنمن، پیهت و کیسر^۲، ۲۰۰۶؛ کارداتزک^۳، ۲۰۰۹) و با توجه به نتایج پژوهش‌ها حاکی از اهمیت نقش استانداردهای زناشویی بر رضایت زناشویی زوج‌ها (باکام و همکاران، ۱۹۹۶b؛ واندرر و شنویند، ۲۰۰۸؛ کوهن و سایر^۴، ۲۰۰۵؛ باکام و همکاران، ۱۹۹۶a، حسن‌پور، ۱۳۸۹) و با علم به این موضوع که رضایت از زندگی زناشویی زوج‌ها مقوله‌ای است که بی‌تردید در چگونگی رشد و بالندگی خانواده و افراد جامعه موثر است، لذا از دیدگاه نظری لزوم پژوهش‌هایی که بتواند علاوه بر بررسی نقش عوامل مذکور بر رضایت زناشویی به‌طور جداگانه، تاثیرات تعاملی آنها بر روی یکدیگر را نیز مورد بررسی قرار دهد، ضروری به‌نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر، هدف اصلی پاسخ به این پرسش است که آیا استانداردهای زناشویی به‌طور مستقیم بر رضایت زناشویی تاثیر می‌گذارند، یا اینکه استانداردهای زناشویی به‌طور غیر مستقیم و از طریق تاثیر بر مقابله‌ی زوجی بر رضایت زناشویی اثر دارند؟



شکل ۱- رابطه‌ی بین استانداردهای رابطه‌مدار همسران بر رضایت زناشویی آنها با میانجی‌گری مقابله‌ی زوجی

1. Lazowski, & Anderson
2. Pihet, & Keyser
3. Kardatzke
4. Kohn, & Sayers

روش

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: طرح پژوهش حاضر، طرح همبستگی از نوع الگویایی معادلات ساختاری^۱ (SEM) است که یک روش همبستگی چند متغیری است. جامعه‌ی آماری در این پژوهش تمامی والدین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه‌ی شهر اهواز بودند که در فاصله‌ی زمانی اجرای این پژوهش در این شهر زندگی می‌کردند و حداقل تحصیلات آنها دیپلم و حداقل مدت زمان ازدواج آنها ۱۴ سال بوده است. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای از بین نواحی چهارگانه‌ی آموزش و پرورش شهر اهواز، ۱۲ مدرسه (از هر ناحیه ۳ مدرسه) به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس از بین دانش‌آموزان این مدارس ۱۵۰ دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند و به آنها جهت دعوت والدین‌شان به مدرسه دعوت‌نامه داده شد و پس از مراجعه‌ی والدین به مدرسه، پرسشنامه‌ها همراه با ارائه‌ی توضیحات لازم توسط پژوهشگر، جهت پاسخگویی کامل به گویه‌های پرسشنامه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت.

ابزار سنجش

پرسشنامه‌ی استانداردهای رابطه‌ی خاص (ISRS): پرسشنامه‌ی استانداردهای رابطه‌ی خاص^۲ توسط باکام، ایستاین، رانکین و بارنت (۱۹۹۶b) تدوین شد. این پرسشنامه که اولین بار در ایران توسط خجسته مهر (۱۳۸۹؛ به نقل از حسن پور، ۱۳۸۹) ترجمه و اعتباریابی شده است، دارای ۴۸ ماده و ۴ خرده‌مقیاس می‌باشد. این پرسشنامه ۱۰ حوزه‌ی متفاوت در ازدواج شامل مسائل شغلی، اوقات فراغت، امور مالی، وظایف خانه، رابطه با خانواده، احساسات و افکار منفی و مثبت در رابطه، تعلم جنسی، محبت، مذهب و نقش والدینی را در ۴ خرده‌مقیاس مرزها، قدرت/کنترل، سرمایه‌گذاری ابزاری و سرمایه‌گذاری عاطفی ارزیابی می‌کند. با هر یک از این ۴۸ ماده در پرسشنامه، پاسخ‌دهنده سه بخش اطلاعات را فراهم می‌کند: (۱) تعیین استانداردهای واقعی فرد در خصوص اینکه ازدواج چگونه باید باشد. (۲) میزان و مقداری که پاسخ‌گو فکر می‌کند استاندارد در زندگی‌اش رعایت می‌شود. (۳) میزان رضایت یا عدم رضایت از تحقق یا عدم تحقق استاندارد در ازدواج. به‌طور منطقی می‌توان نمره‌های هر فرد در هر یک از این سه بخش را به‌دست آورد. در بخش اول هر ماده دارای ۵ گزینه از ۵ (همیشه) تا ۱ (هرگز)، است. در بخش دوم پاسخ‌دهنده باید میزان رضایت خود را با بله یا خیر نشان دهد و بخش سوم سه گزینه از ۱ (هرگز ناراحت نمی‌شوم) تا ۳ (خیلی ناراحت می‌شوم) را شامل می‌شود (ایستاین و همکاران، ۲۰۰۵). در این پژوهش منظور از استانداردهای زناشویی نمره‌ی کل بخش اول پرسشنامه (یعنی استانداردهای واقعی) است. باکام و همکاران

1. Structural Equation Modeling
2. Inventory Of Specific Relationship Standards

(۱۹۹۶b)، پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ در ۴ خرده‌مقیاس برای مردان از ۰/۶۹ تا ۰/۸۵ و برای زنان از ۰/۶۵ تا ۰/۷۷ و روایی سازه‌ی آن را از طریق همبسته‌کردن با پرسشنامه‌ی سازگاری زناشویی (DAS) (۰/۷۱)، گزارش نمودند. حسن‌پور (۱۳۸۹) در بررسی خود بر روی دبیران متاهل شهر شیراز برای اولین بار در ایران از این پرسشنامه استفاده نمود. او پایایی پرسشنامه‌ی استانداردهای زناشویی را با روش آلفای کرونباخ و تنصیف، در مردان و زنان برای خرده‌مقیاس‌های مرزها، قدرت/کنترل و سرمایه‌گذاری (ابزاری و عاطفی) محاسبه نمود. ضرایب آلفای کرونباخ برای نمونه‌ی مردان در خرده‌مقیاس مرزها ۰/۸۵، قدرت/کنترل ۰/۸۷، سرمایه‌گذاری ۰/۸۹ و برای کل مقیاس ۰/۶۹ به‌دست آمد. در نمونه‌ی زنان ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس مرزها ۰/۷۵، قدرت/کنترل ۰/۷۳، سرمایه‌گذاری ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۹۲ به‌دست آمد. روایی سازه‌ی این مقیاس توسط حسن‌پور (۱۳۸۹)، از طریق همبسته‌کردن با پرسشنامه‌ی سازگاری زناشویی (DAS)، در سطح معنی‌داری ($p < 0.01$) برای مردان و زنان محاسبه گردید که در هر دو نمونه از حد مطلوبی برخوردار بود. جدول ۱ ضرایب آلفای کرونباخ و روایی سازه‌ی همزمان پرسشنامه‌ی استانداردهای زناشویی و خرده‌مقیاس‌های آن برای نمونه‌ی مردان و زنان در پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

جدول ۱- پایایی و روایی پرسشنامه‌ی استانداردهای زناشویی و خرده‌مقیاس‌های آن برای هر دو جنس در پژوهش حاضر

استانداردهای زناشویی		پایایی		روایی سازه	
		آلفای کرونباخ		سطح معنی‌داری	
		مردان	زنان	مردان	زنان
کل مقیاس	مرزها	۰/۹۴	۰/۹۵	۰/۷۵	$p < 0.001$
	قدرت/کنترل	۰/۸۳	۰/۸۳	۰/۷۲	$p < 0.001$
خرده‌مقیاس‌ها	سرمایه‌گذاری ابزاری	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۷۳	$p < 0.001$
	سرمایه‌گذاری عاطفی	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۷۶	$p < 0.001$
		۰/۸۰	۰/۸۳	۰/۷۷	$p < 0.001$

1. Dyadic Adjustment Scale

پرسشنامه‌ی مقابله‌ی زوجی (DCI): پرسشنامه‌ی مقابله‌ی زوجی^۱ یک ابزار ۳۷ آیتمی با ۹ خرده‌مقیاس است. این خرده‌مقیاس‌ها عبارتند از ابزار استرس فرد توسط خودش^۲، مقابله‌ی زوجی حمایتی توسط خود شخص، مقابله‌ی زوجی محول‌شده توسط خود شخص، مقابله‌ی زوجی منفی توسط خود شخص، ابزار استرس همسر توسط خود وی^۳، مقابله‌ی زوجی حمایتی همسر، مقابله‌ی زوجی محول‌شده‌ی همسر، مقابله‌ی زوجی منفی همسر و مقابله‌ی زوجی مشترک. شاخص دیگری نیز تحت عنوان ارزشیابی مقابله‌ی زوجی^۴ وجود دارد که یک ارزیابی از کل پرسشنامه می‌باشد، ولی به‌عنوان یک خرده‌مقیاس در نظر گرفته نمی‌شود. این ۹ خرده‌مقیاس را می‌توان در ۴ مقیاس جمع کرد که مقیاس‌های تجمعی^۵ نامیده می‌شوند. این مقیاس‌ها عبارتند از (۱) نمره‌ی کلی مقابله‌ی زوجی توسط خود شخص (۲) نمره‌ی کلی مقابله‌ی زوجی توسط همسر (۳) نمره‌ی کلی مقابله‌ی زوجی منفی و (۴) نمره‌ی کلی مقابله‌ی زوجی مثبت. علاوه بر این، این پرسشنامه یک نمره‌ی کلی به‌دست می‌دهد که نمره‌ی کلی مقابله‌ی زوجی^۶ نامیده می‌شود. نمرات بالاتر در نمره‌ی کلی نشان‌دهنده‌ی مقابله‌ی زوجی بیشتر زوج‌ها است (بودنمن، پیهت و کیسر، ۲۰۰۶). پاسخ‌دهنده پاسخ‌های خود را به‌صورت لیکرت ۵ درجه‌ای رتبه می‌دهد که دامنه‌ی آنها از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) است. نمره‌گذاری برخی از ماده‌های این پرسشنامه به‌صورت معکوس است. پایایی این پرسشنامه توسط بودنمن (۲۰۰۶)، در طی پژوهشی بر روی ۲۳۹۹ آزمودنی (مردان=۱۰۷۲، زنان=۱۳۲۷) به روش آلفای کرونباخ، در نمونه‌ی مردان ۰/۹۲ و در نمونه‌ی زنان ۰/۹۳ به‌دست آمد. اوزونی دوجی (۱۳۸۸)، برای اولین بار در ایران از پرسشنامه‌ی مقابله‌ی زوجی استفاده و ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۳۷ ماده‌ای مقابله‌ی زوجی در نمونه‌ی مردان ۰/۹۲ و در نمونه‌ی زنان ۰/۹۳ محاسبه نمود. جدول ۲ ضرایب آلفای کرونباخ و روایی سازه‌ی همزمان مقیاس مقابله‌ی زوجی را برای ۳۷ ماده‌ی این پرسشنامه برای نمونه‌ی مردان و زنان در پژوهش حاضر نشان می‌دهد، برای سنجش روایی این مقیاس نیز از پرسشنامه‌ی کیفیت زناشویی نورتون (۱۹۸۳)، به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، (۱۳۸۹)، استفاده شد.

-
1. Dyadic Coping Inventory
 2. stress communication by oneself
 3. Stress communication of the partner
 4. Evaluation of dyadic coping
 5. aggregated scales
 6. total score of dyadic coping

جدول ۲- پایایی و روایی پرسشنامه‌ی مقابله‌ی زوجی برای هر دو جنس در پژوهش حاضر

مردان		زنان		مقیاس	مقابله‌ی زوجی
روایی سازه‌ی	سطح	روایی سازه‌ی	سطح		
آلفای	معنی‌داری	آلفای	معنی‌داری	کرونباخ	
همزمان	p<۰/۰۰۱	همزمان	p<۰/۰۰۱	۰/۹۱	
۰/۷۱		۰/۶۹		۰/۹۱	
					p<۰/۰۰۱

پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ (ENRICH): پرسشنامه‌ی انریچ توسط اولسون^۱ و همکاران در سال ۱۹۸۹ (به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷) در آمریکا با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه‌ی مشکل‌زا و شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری روابط زناشویی ساخته شده است. پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده است این پرسشنامه یک ابزار ۱۱۵ ماده‌ای، و فرم دیگر از آن ۱۲۵ ماده‌ای است. در فرم ۱۱۵ سوالی اجرا شده در ایران، برای هر یک از سوال‌های این پرسشنامه ۵ گزینه منظور شده است. گزینه‌ی سوال‌ها عبارتند از ۱ (خیلی زیاد)، ۲ (زیاد)، ۳ (متوسط)، ۴ (کم) و ۵ (خیلی کم). در این پرسشنامه نیز نمره‌گذاری برخی از سوال‌ها به صورت معکوس است. در این پژوهش برای بررسی رضایت زناشویی، از ۱۰ سوال مربوط به خرده‌مقیاس رضایت زناشویی استفاده شد. اولسون (۱۹۸۹)، ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه‌ی انریچ را در خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. همچنین پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای هر دو گروه زنان و مردان، ۰/۹۶ گزارش شده است (فینچام، پالیری^۲ و رگالیا^۳، ۲۰۰۲، به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹). در جدول ۳ ضرایب آلفای کرونباخ و روایی سازه‌ی همزمان پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی برای نمونه‌ی مردان و زنان در پژوهش حاضر، نشان داده شده است. برای سنجش روایی این مقیاس از پرسشنامه‌ی کیفیت زناشویی نورتون (۱۹۸۳، به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۸۹) استفاده شد.

1. Olsson
2. Paleari
3. Regalia

جدول ۳- پایایی و روایی پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی برای هر دو جنس در پژوهش حاضر

مقیاس	مردان	زن
رضایت زناشویی	الفای کرونباخ روایی سازه‌ی همزمان ۰/۸۲	الفای کرونباخ روایی سازه‌ی همزمان ۰/۷۶
سطح معنی‌داری	سطح معنی‌داری ۰/۷۲	سطح معنی‌داری p<۰/۰۰۱
		p<۰/۰۰۱

یافته‌ها

در بخش یافته‌ها، به تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته می‌شود. در ابتدا یافته‌های توصیفی شامل، میانگین و انحراف معیار مربوط به متغیرهای پژوهش به همراه ماتریس ضرایب همبستگی بین متغیرها، سپس یافته‌های اصلی و مربوط به فرضیه‌ها در دو مدل جداگانه برای مردان و زنان، در قالب ۵ فرضیه‌ی مستقیم و ۲ فرضیه‌ی غیر مستقیم (برای هر کدام از دو جنس) مورد بررسی قرار می‌گیرند. جدول ۴ شاخص‌های آماری شرکت‌کنندگان در پژوهش را در بین متغیرهای پژوهش حاضر نشان می‌دهد.

جدول ۴- شاخص‌های آماری شرکت‌کنندگان در پژوهش در بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	میانگین		انحراف معیار	
		مردان	زنان	مردان	زنان
۱	مرزها	۴۶/۸۷	۴۵/۶۷	۶/۵۱	۶/۸۸
۲	قدرت/کنترل	۵۰/۰۲	۴۹/۸۶	۶/۷۶	۷/۳۲
۳	سرمایه‌گذاری ابزاری	۴۸/۱۵	۴۷/۱۸	۵/۵۶	۶/۱۹
۴	سرمایه‌گذاری عاطفی	۵۰/۲۶	۳۰/۴۹	۵/۸۳	۶/۴۶
۵	مقابله‌ی زوجی همسران از دید خودشان	۵۴/۵۹	۵۷/۲۹	۶/۴۹	۷/۱۸
۶	مقابله‌ی زوجی همسران از دید یکدیگر	۵۷/۲۲	۵۴/۴۴	۸/۹۹	۹/۱۷
۷	رضایت زناشویی همسران	۳۸/۹۰	۳۷/۱۹	۶/۴۲	۶/۸۴

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر در جدول ۵ گزارش شده است. همانطور که نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد، تمامی ضرایب همبستگی به‌دست آمده بین متغیرهای پژوهش در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار هستند.

جدول ۵- ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرهای پژوهش	۱		۲		۳		۴		۵		۶	
		مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان
۱	مرزها	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۲	قدرت/کنترل	۰/۶۶**	۰/۷۲**	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۳	سرمایه‌گذاری ابزاری	۰/۷۱**	۰/۷۷**	۰/۷۲**	۰/۷۸**	-	-	-	-	-	-	-	-
۴	سرمایه‌گذاری عاطفی	۰/۷۰**	۰/۷۲**	۰/۷۳**	۰/۷۴**	۰/۷۸**	۰/۸۱**	-	-	-	-	-	-
۵	مقابله‌ی زوجی همسران از دید خودشان	۰/۴۹**	۰/۴۸**	۰/۴۵**	۰/۴۵**	۰/۴۹**	۰/۵۰**	۰/۵۴**	۰/۵۰**	-	-	-	-
۶	مقابله‌ی زوجی همسران از دید یکدیگر	۰/۳۵**	۰/۲۹**	۰/۴۵**	۰/۴۵**	۰/۴۸**	۰/۳۲**	۰/۴۳**	۰/۲۴**	۰/۶۱**	۰/۶۰**	-	-
۷	رضایت زناشویی همسران	۰/۴۱**	۰/۳۲**	۰/۴۶**	۰/۴۶**	۰/۵۰**	۰/۳۶**	۰/۴۵**	۰/۳۵**	۰/۵۸**	۰/۵۵**	۰/۶۵**	۰/۶۳**

برای آزمون مدل پیشنهادی از الگویابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار AMOS-16 استفاده شد. تحلیل ساختاری هر دو مدل در ۴ مرحله شناسایی مدل^۱، برآورد مدل^۲، اصلاح مدل^۳، آزمون و تعیین دوباره‌ی مدل^۴ بر اساس دیدگاه نسبی^۵ (۲۰۰۴، به نقل از عشرتی، ۱۳۸۹) که معتقد است تحلیل ساختاری شامل چهار گام می‌باشد، صورت گرفته است.

جدول ۶ مقایسه‌ی شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده را در هر دو نمونه‌ی زنان و مردان نشان می‌دهد. با توجه به نتایج مندرج در جدول ۳، شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی در نمونه‌ی مردان (RMSEA=۰/۱۳، GFI=۰/۹۳، TLI=۰/۹۰، $\chi^2/df=۳/۷۷$) و در نمونه‌ی زنان (RMSEA=۰/۱۶، GFI=۰/۹۱، TLI=۰/۸۷، $\chi^2/df=۴/۸۵$) حاکی از برازش ضعیف مدل پیشنهادی بوده و نیز نشان می‌دهد که مدل پیشنهادی نیاز به اصلاح دارد. پس از حذف مسیرهای غیر معنادار (مسیر استانداردهای زناشویی زنان به رضایت زناشویی زنان)، برای بهبود مدل یک اصلاح به پیشنهاد نرم افزار AMOS در مدل مردان و یک اصلاح نیز بر روی مدل زنان صورت گرفت. به این ترتیب که مسیر خطاهای اضافه شده بین متغیرهایی قرار داده شد که ضرایب همبستگی بین آنها بالا بود. این مسیرها شامل همبسته کردن مسیر بین مقابله‌ی زوجی همسران

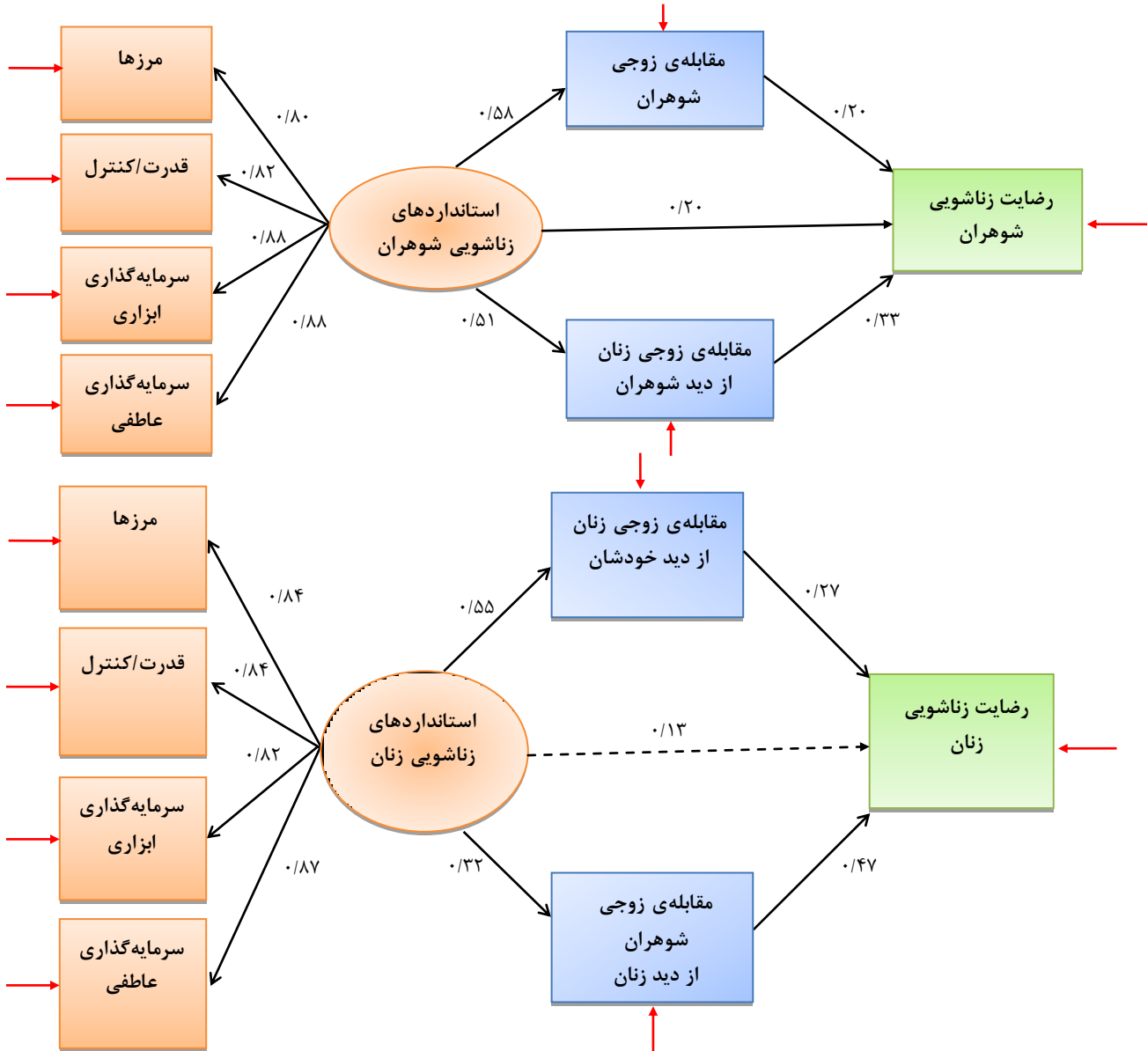
1. model identification
2. model estimate
3. model modification
4. model testing and respecification
5. Nese

از دید خودشان به مقابله‌ی زوجی همسران از دید یکدیگر در هر دو مدل مردان و زنان بود. بعد از اعمال تغییرات، مدل‌ها مجدد مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد که شاخص‌های برازندگی در مدل مردان و زنان به ترتیب شامل شاخص مجذور خی (۱۰/۲۷) و $\chi^2=13/01$ ، مجذور خی نسبی (۰/۸۵ و $\chi^2/df=1/18$)، شاخص نیکویی برازش (۰/۹۸ و $GFI=0/97$)، شاخص نیکویی برازش انطباقی (۰/۹۵ و $AGFI=0/94$)، شاخص برازش مقایسه‌ای (۰/۹۹ و $CFI=0/98$)، شاخص برازندگی افزایش (۰/۹۹ و $IFI=0/99$)، شاخص برازندگی توکر- لویس (۰/۹۹ و $TLI=0/99$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب (۰/۰۶ و $RMSEA=0/03$) حاکی از برازش مطلوب مدل اصلاح شده است. بنابراین مدل اصلاح شده و نهایی در هر دو نمونه‌ی مردان و زنان از برازندگی مطلوبی برخوردار است.

جدول ۶- مقایسه‌ی شاخص‌های برازندگی مدل پیشنهادی و مدل اصلاح شده

RMSEA	NFI	CFI	TLI	IFI	AGFI	GFI	χ^2/df	df	χ^2	شاخص‌های برازندگی
۰/۱۳	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۸۴	۰/۹۳	۳/۷۷	۱۲	۴۵/۲۶	مردان
۰/۱۶	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۷۹	۰/۹۱	۴/۸۵	۱۲	۵۸/۲۲	زنان
۰/۰۳	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۷	۱/۱۸	۱۱	۱۳/۰۱	مردان
۰/۰۱	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۸۵	۱۲	۱۰/۲۷	زنان

شکل ۲ مدل نهایی پژوهش حاضر را به همراه ضرایب استاندارد مسیرها به ترتیب در دو نمونه‌ی مردان و زنان نشان می‌دهد.



شکل ۲- برون داد نرم افزار AMOS: مدل اصلاح شده‌ی نهایی پژوهش حاضر به همراه ضرایب استاندارد مسیرها در نمونه‌ی مردان و زنان

همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد، مسیر استانداردهای زناشویی زنان به رضایت زناشویی زنان غیر معنادار است ($\beta=0/13$). همچنین نتایج نشان می‌دهد که مسیر استانداردهای زناشویی شوهران به مقابله‌ی زوجی شوهران از دید خودشان ($\beta=0/58$)، استانداردهای زناشویی شوهران به مقابله‌ی زوجی زنان از دید شوهران ($\beta=0/51$)، مقابله‌ی زوجی زنان از دید خودشان ($\beta=0/56$)، استانداردهای زناشویی زنان به مقابله‌ی زوجی شوهران از دید زنان ($\beta=0/34$)، مقابله‌ی زوجی زنان از دید خودشان به رضایت زناشویی زنان ($\beta=0/20$)، مقابله‌ی زوجی شوهران از دید زنان به رضایت زناشویی زنان ($\beta=0/49$) در سطح آماری $p < 0/001$ و نیز مقابله‌ی زوجی شوهران از دید خودشان به رضایت زناشویی شوهران ($\beta=0/20$) و استانداردهای زناشویی شوهران به رضایت زناشویی شوهران ($\beta=0/20$) در سطح آماری $p < 0/01$ معنادار هستند. همچنین به‌منظور آزمون روابط واسطه‌ای مدل ساختاری از آزمون بوت استرپ نرم افزار AMOS استفاده شد که نتایج آن در جدول ۷ مشاهده می‌شود.

جدول ۷- نتایج آزمون بوت استرپ برای مسیرهای واسطه‌ای

سطح معنی‌داری	بوت استرپ	مسیرهای واسطه‌ای		
		متغیر وابسته	متغیر میانجی	متغیر مستقل
0/005	0/292	رضایت زناشویی شوهران	مقابله‌ی زوجی شوهران از دید خودشان	استانداردهای زناشویی شوهران
0/013	0/328	رضایت زناشویی شوهران	مقابله‌ی زوجی زنان از دید شوهران	استانداردهای زناشویی شوهران
0/007	0/323	رضایت زناشویی زنان	مقابله‌ی زوجی زنان از دید خودشان	استانداردهای زناشویی زنان
0/007	0/218	رضایت زناشویی زنان	مقابله‌ی زوجی شوهران از دید زنان	استانداردهای زناشویی زنان

بحث

همان‌طور که در ابتدا بیان شد، هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش است که آیا استانداردهای زناشویی همسران به‌طور مستقیم بر رضایت زناشویی آنان اثر دارد یا اینکه استانداردهای زناشویی همسران به‌طور غیر مستقیم و از طریق مقابله‌ی زوجی همسران از دید خود و یکدیگر بر رضایت زناشویی آنها اثرگذار است؟ تمامی مسیرهای مفروض موجود در مدل پیشنهادی پژوهش مورد آزمون واقع شدند و همه‌ی مسیرها به جز مسیر تاثیر مستقیم استانداردهای زناشویی زنان بر رضایت زناشویی آنان مورد تایید قرار گرفتند. به عبارتی دیگر نتایج حاصل از تحلیل مدل معادلات ساختاری نشان داد در حالی که استانداردهای زناشویی شوهران هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیر مستقیم و از طریق مقابله‌ی زوجی شوهران از دید خود و مقابله‌ی زوجی زنان از دید شوهران بر رضایت زناشویی شوهران تاثیرگذار است، استانداردهای

زناشویی زنان تنها به‌طور غیر مستقیم و از طریق مقابله‌ی زوجی زنان از دید خودشان و مقابله‌ی زوجی شوهران از دید زنان بر رضایت زناشویی زنان تاثیر دارد و نه به‌صورت مستقیم. این یافته با یافته‌های حسن‌پور (۱۳۸۹)، باکام و همکاران (۱۹۹۶b)، کوهن و سایر (۲۰۰۵) و واندرر و شنویند (۲۰۰۸) ناهمسو هستند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که هرچند مطالعات متعددی حاکی از اثر استانداردهای زناشویی بر رضایت زناشویی زوجها به‌ویژه زنان است، اما مطالعات بین فرهنگی نشان داده‌اند که این اثر به شدت تحت تاثیر عوامل فرهنگی و محیطی است. در فرهنگ‌های مختلف رابطه‌ی زناشویی تحت تاثیر عوامل مختلفی مانند مذهب و باورهای جنسیتی قرار می‌گیرد (اپستاین، چن، بیدر - کمجو، ۲۰۰۵). یافته‌های این پژوهش در جامعه‌ی مورد مطالعه نشان داد که مقابله‌ی زوجی در مقایسه با استانداردهای زناشویی تاثیر عمده‌تری بر رضایت زناشویی زنان دارد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بعد ارتباطی برای زنان نسبت به مردان از اهمیت بیشتری برخوردار است (هیتون و بلیک^۱، ۱۹۹۹)، بنابراین حمایتی که زنان در شرایط پرتنش از همسر و خانواده‌شان انجام می‌دهند و حمایتی که به‌طور متقابل دریافت می‌کنند، تاثیر به‌سزایی در میزان رضایت آنان از زندگی خواهد داشت. همان‌گونه که پیش از این هم گفته شد، حمایت اجتماعی که یکی از انواع مقابله می‌باشد؛ عبارت است از ادراک فرد از اینکه عضو شبکه‌ی ارتباطی پیچیده‌ای است که در آن ویژگی‌هایی چون تبادل محبت، مساعدت و تعهد در بین افراد وجود دارد (کوهن و سیم^۲، ۱۹۸۴). با توجه به اینکه مردان و به‌ویژه مردان جامعه‌ی مورد مطالعه در پژوهش حاضر نسبت به زنان حضور پررنگ‌تری در جامعه دارند و ارتباطات آنها تنها به محیط خانه محدود نمی‌شود و به محیط کار و اجتماع گسترش می‌یابد؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که مردان به‌دلیل ارتباطات بیشتر با افراد و شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر، می‌توانند احساس تعلق و تعهد دو جانبه‌ی بیشتری نمایند و در نتیجه در شرایط پرتنش نسبت به زنان و به‌خصوص زنان خانه‌دار که ارتباطات آنها تنها به محیط خانه و خانواده محدود می‌شود، از حمایت اجتماعی گسترده‌تری برخوردار شوند. در حالی که زنان بیشتر به حمایتی که از خانواده و به‌ویژه همسر خود یعنی همان چیزی که از آن تحت عنوان مقابله‌ی زوجی نام برده می‌شود، متکی هستند. با توجه به این نکته می‌توان اهمیت نقش مقابله‌ی زوجی در رضایت زنان نسبت به مردان را توجیه نمود.

معنادار بودن مسیر تاثیر مستقیم استانداردهای زناشویی همسران بر مقابله‌ی زوجی آنان از دید خودشان و مقابله‌ی زوجی همسران از دید یکدیگر که با یافته‌های حاصل از پژوهش واندرر و شنویند (۲۰۰۸) هماهنگ است، این موضوع را تایید می‌کند که زوجها با استانداردهای بالا

-
1. Heaton, & Blake
 2. Cohen, & Syme

همسرانشان را حمایت می‌کنند که این حمایت به نوبه‌ی خود باعث می‌شود تا هر کدام از همسران احساس کنند که مورد حمایت هستند (واندرر، ۲۰۰۳). مقابله‌ی زوجی با سطح کیفیت ارتباطی همسران (بودنمن، ۲۰۰۰، ۱۹۹۹)، ثبات ارتباطی همسران (بودنمن، ۲۰۰۱، بودنمن و سینا، ۲۰۰۰) و رفتار ارتباطی همسران (بودنمن و سینا، ۲۰۰۰) در ارتباط است. همچنین میزان پایبندی به استانداردهای رابطه‌مدار نیز با رفتارها و الگوهای ارتباطی سازنده‌تر همسران در ارتباط است. پس می‌توان این‌گونه اظهار کرد که تمایل بیشتر زوجها برای اشتراک، تساوی طلبی و سرمایه‌گذاری در رابطه با ارتباطات سازنده‌تر و تقاضای عقب‌نشینی کمتر در همسران همراه است. پژوهش‌ها همچنین نشان داده‌اند که در زنان با استانداردهای زناشویی بالاتر نسبت به زنان با استانداردهای زناشویی پایین‌تر، همبستگی بالاتری میان ارتباط و سازگاری زناشویی وجود دارد (گوردون^۱ و همکاران، ۱۹۹۹). به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که استانداردهای زناشویی می‌توانند بر مقابله‌ی زوجی همسران، تاثیر مستقیمی داشته باشند. همچنین معنادار بودن تاثیر مقابله‌ی زوجی همسران از دید خود و مقابله‌ی زوجی همسران از دید یکدیگر بر رضایت زناشویی همسران که با یافته‌های بودنمن (۱۹۹۵)، میر و همکاران (۲۰۱۱)، بلانگر، سابورین و ال-بعلبکی^۲ (۲۰۱۲) و لندیس و همکاران (۲۰۱۳) هماهنگ است را نیز می‌توان اینگونه توجیه نمود که بر طبق الگوی آسیب‌پذیری-استرس-انطباق^۳، روش‌هایی که زوجها در مواجهه با وقایع زندگی به کار می‌برند، عواملی کلیدی است که بر ادراک آنها از کیفیت ازدواجشان تاثیر می‌گذارد. فرایندهای انطباقی زوجها، نتیجه‌ی تعامل بین آسیب‌پذیری‌های فردی پایدار هر یک از زوجها و نوع و شدت وقایع زندگی‌ای است که با آنها مواجه می‌شوند. بنابراین رضایت زناشویی، در زوج‌هایی که آسیب‌پذیری‌های پایدار کمتری دارند و فرایندهای انطباقی‌شان هم مناسب است به نسبت بالاتر است (هالفورد، ۲۰۰۰؛ به نقل از پارکر^۴، ۲۰۰۲). بنابراین روش‌های مقابله‌ای که همسران در شرایط پر تنش اتخاذ می‌کنند، بر میزان رضایت آنها از زندگی زناشویی‌شان تاثیر می‌گذارد. همچنین برای تداوم رضایت‌مندی از رابطه، حمایت متقابل زوجها از همدیگر مهم است. این حمایت می‌تواند عملی (مانند کمک کردن به یکدیگر در انجام مسوولیت‌های مربوط به هر یک) یا عاطفی (مانند گوش دادن همدلانه به درددل‌های همسر) باشد. میزان حمایت‌های عملی و عاطفی که زوجها به یکدیگر

-
1. Gordon
 2. Bélanger, Sabourin, & El-Baalbaki
 3. Vulnerability-stress-adaptation model
 4. Parker

ابراز می‌کنند، به‌طور قابل توجهی رضایت‌مندی از رابطه را در عرض سال‌های اولیه‌ی ازدواج پیش‌بینی می‌کند (پاسچ و برادبری^۱، ۱۹۸۸؛ به نقل از هالفورد، ۲۰۰۱).

به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر تاثیر مستقیم استانداردهای زناشویی شوهران بر مقابله‌ی زوجی آنها از دید خود و مقابله‌ی زوجی همسرشان از دید آنها و اثر مستقیم این متغیرها بر رضایت زناشویی آنان است. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر تنها اثر غیر مستقیم استانداردهای زناشویی زنان را از طریق مقابله‌ی زوجی آنها از دید خودشان و مقابله‌ی زوجی همسرانشان از دید آنان بر رضایت زناشویی آنها نشان می‌دهد. بنابراین نقش واسطه‌ای مقابله‌ی زوجی بین استانداردهای زناشویی و رضایت زناشویی در دو نمونه‌ی مردان و زنان تایید شد. این یافته‌ها کاربردهای نظری و عملی را القا می‌نماید. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش حاضر بر اهمیت استانداردهای زناشویی و نقش تعیین کننده، اساسی و پایدار آن در فرایند ارتباط زوجها و نقش مقابله‌ی زوجی به‌عنوان سازه‌ای مهم و موثر در رضایت زناشویی همسران تاکید می‌نماید. در سطح عملی با توجه به نتایج حاکی از تاثیر استانداردهای زناشویی بر رضایت زناشویی می‌بایست در جلسات مشاوره‌ی پیش از ازدواج به‌منظور شناخت مراجعه‌کنندگان از استانداردهای زناشویی خود و همسر آینده‌شان و آگاهی از تفاوت‌های احتمالی در این استانداردها جهت انتخاب صحیح‌تر آنها از مقیاس استانداردهای زناشویی استفاده نمود. می‌توان از این مقیاس در فرایند زوج‌درمانی یا خانواده‌درمانی نیز به‌منظور آگاهی زوج‌های مراجعه‌کننده از استانداردهای زناشویی خود و همسرشان جهت رفع بسیاری از سوءتفاهم‌های آنان از رفتارهای یکدیگر، استفاده نمود. همچنین با توجه به تاثیر بالای مقابله‌ی زوجی بر رضایت و ثبات زندگی زناشویی، لازم است که شیوه‌های مقابله‌ی زوجی مثبت به زوجها آموزش داده شود و با توجه به اهمیت بیشتر نقش مقابله‌ی زوجی در رضایت زناشویی زنان نسبت به مردان، می‌بایست در فرایند زوج‌درمانی بر به‌کارگیری شیوه‌های موثرتر مقابله‌ی زوجی در مردان تاکید بیشتری نمود. عمده‌ترین محدودیت پژوهش حاضر، جامعه‌ی آماری آن است که گروه خاصی از زوج‌های شهر اهواز هستند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که جهت افزایش گستره‌ی تعمیم‌پذیری یافته‌ها، این پژوهش در نمونه‌ی وسیع‌تر و جوامع دیگر نیز تکرار گردد. با توجه به نتایج این مطالعه پیشنهاد می‌شود که در قالب پژوهشی آزمایشی شیوه‌های مقابله‌ی زوجی موثر به زوجها آموزش داده شود تا تاثیر آنها بر ثبات و خوشنودی زندگی زناشویی مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- اوزونی دوجی، رحمان بردی (۱۳۸۸). اثر بخشی آموزش گروهی برنامه‌ی افزایش مهارت‌های مقابله‌ی زوج‌ها بر کیفیت ارتباط زوج‌های ناسازگار. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد مشاوره‌ی خانواده. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران.
- حسن‌پور اصطهباناتی، ملیحه (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی تعاملی استانداردهای زناشویی و الگوهای ارتباطی با کیفیت زناشویی در معلمان متأهل شهر شیراز. پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد مشاوره‌ی خانواده. دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- خجسته‌مهر، رضا؛ کرایه، امین و رجیبی، غلامرضا (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج. فصلنامه‌ی مطالعات روان‌شناختی دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء، دوره‌ی ۶، شماره‌ی یک.
- ثناپی‌ذاکر، باقر؛ علاقبند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره و هومن، عباس (۱۳۸۷). مقیاس‌های سنجش خانواده از دواج. تهران: انتشارات بعثت.
- هالفورد، کیم (۲۰۰۱). زوج‌درمانی کوتاه‌مدت. ترجمه‌ی مصطفی تبریزی و همکاران (۱۳۸۴). چاپ اول، تهران: انتشارات فراروان.
- Alexander, A. L. (2008). Relationship resources for coping with unfulfilled standards in dating relationship: Commitment, satisfaction, and closeness. *Journal of Social and Personality Relationship*, 25, 725-747.
- Baucom, D. H., & Epstein, N. (1990). *Cognitive-behavioral marital therapy*. New York: Brunner/Mazel.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Daiuto, A. D., Carels, R. A., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996a). Cognitions in marriage: The relationship between standards and attributions. *Journal of Family Psychology*, 10, 209-222.
- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996b). Assessing relationship standards: The Inventory of Specific Relationship Standards. *Journal of Family Psychology*, 10, 72-88.
- Bélanger, C., Sabourin, S., El-Baalbaki, Gh. (2012). Behavioral Correlates of Coping Strategies in Close Relationships. *Europe's Journal of Psychology*, 8(3), 449-460.
- Brazelton, T. B., & Yogman, M. W. (Eds). (1986). *Affective development in infancy*. Westport, CT: Ablex Publishing.
- Bodenmann, G. (1995). Dyadic coping & marital satisfaction. *psychological contributions*, 37, 1-2.
- Bodenmann, G. (1999). Divorce: what do we know about their causes? *Magazine for family research*, 47, 137- 140.
- Bodenmann, G. (2000). *Stress and coping in couples*. Gottingen: Hogrefe.
- Bodenmann, G. (2001). Psychological risk factors for divorce: An overview. *Psychological Rundschau*, 52, 85-95.
- Bodenmann, G., & Cina, A. (2000). The influence of stress on marital quality and stability. *Context*: 31, 124-138.
- Bodenmann, G. (2005). Dyadic coping and it's significance for marital functioning. In T. Revenson, K. Kayser, & G. Bodenmann (Eds.), *Couple coping with stress: Emerging Perspectives on dyadic coping* (pp.33-50). Washington, DC: American Psychological Association.

- Bodenmann, G., Pihet, S., & Kayser, K. (2006). The relationship between dyadic coping and marital quality: A 2-year longitudinal study. *Journal of Family Psychology*, 20, 485-493.
- Bodenmann, G., Meier, C., Mörgeli, H. & Jenewein, J. (2011). Dyadic coping, quality of life, and psychological distress among chronic obstructive pulmonary disease patients and their partners. *International Journal of Chronic Obstructive Pulmonary Disease (Online Journal)*, 6, 583-596.
- Cohen, S., & Syme S. L. (1985). Issues in the application and study of social support. In: Cohen S., Syme S.L., (eds). *Social Support and Health*. Orlando, FL: Academic Press, pp. 3-22.
- Ellis, A. (1989). Retional - emotive theory. in operational theories of ersonality. edited by Arthur burton, pp.308-44. new York: brunner.
- Epstein, N. B, Chen, F., & Beyder- Kamjou, I. (2005). Relationship standards and marital satisfaction in Chinese and American couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 59 – 74.
- Gordon, K. C., Baucom, D. H., Epstein, N., Burnett, C. K., & Rankin, L. A. (1999). The interaction between marital standards and communication patterns: How does it contribute to marital adjustment? *Journal of Marriage and Family Counseling*, 25, 211-223.
- Heaton, T. B., & Blake, A. M. (1999). Gender differences in determinants of marital disruption. *Journal of Family Issues*, 20, 25 – 45.
- Kunaszuk, R. M. E. (2009). Intimacy, libido, depressive symptoms and marital satisfaction in postpartum couples. A thesis submitted to the faculty of drexel university in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Nursing Practice.
- Kohn, C. S., & Sayers, S. L. (2005). Extreme relationship standards in the context of discordant and nondiscordant couples. *Cognitive and Behavioral Practice*, 12, 319-323.
- Landis, M., Peter-Wight, M., Martin, M. & Bodenmann, G. (2013). Dyadic coping and marital satisfaction of older spouses in long-term marriage. *The Journal of Gerontopsychology and Geriatric Psychiatry*, 26(1), 39-47.
- Lazowski, L. E., & Anderson, S. M. (1990). Self - disclosure and social Perceptions: impact of Private, negative, and extreme communications. *Journal of Social Behavior and Personality*, 5, 131-154.
- Levey, S. B. (2003). The effect of dyadic coping on the elationship between attachment style and relationship satisfaction. A thesis of Ph.D. in philosophy. New york university.
- Meier, C., Bodenmann, G., Moergeli, H., Peter-Wight, M., Martin, M., Buechi, S., Jenewein, J. (2012). Dyadic coping among couples with COPD: a pilot study. *Journal of Clinical Psychology in Medical Settings*, 19, 243-254.
- Morfesis, F. (2009). Dyadic coping among adult with attention-deficit/hyperactivity disorder. A thesis for the degree of master of arts. University of North Carolina at Greensboro.
- Vangelisti, A. L., & Daly, J. A. (1997). Gender differences in standards for romantic relationship. *Personal Relationships*, 4, 203 – 219.

- Parker, R. (2002). why marriage last, a discussion of the literature. Research Paper No.28, July 2002. Australian Institute of Family Studies.
- Sinha, S. P., & Mukerjee, N. (1991). Marital adjustment and space orientation. *Journal of Social Psychology*, 130, 633-639.
- Wunderer, R. (2003). *Partnership between expectations and reality*. Weinheim: Beltz PVU.
- Wunderer, E. & Schneewind, K. S. (2008). The relationship between marital standards, dyadic coping and marital satisfaction. *European Journal of Social Psychology*, 38,462-476.

